




کتابخانه
مجلس شورای
استانی
سرد



کتابخانه مجلس شورای اسلامی		 سازمان اسناد و کتابخانه ملی اداره ثبت کتاب
کتاب	محرور و کماله در راه	
مؤلف	رضا یزدانی	
موضوع		
شماره اختصاصی (۸۴۸) از کتب اهدائی : کلانمجلس سرود		شماره ثبت کتاب ۲۱۲۲۶۳



کتابخانه خصوصی
 غلامحسین - سرود

۸۳
 ۲۱۲۲۶۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 اداره ثبت کتاب



کتابخانه مجلس شورای اسلامی
غلامحسین - سرو ۵

در کتب و کتب
شماره ثبت کتاب

کتابخانه
مجلس شورای اسلامی

۸۳
۲۱۲۲۶۳

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب	موضوع
مؤلف	مترجم
شماره ثبت کتاب	
۲۱۲۲۶۳	

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

و این چهار ماه جلای دلی خوانند و در تقویم پنج عدد دل باریک بر صفحه
 دست راست پیش از تقویم کواکب بکشند در یکی روزهای هفته برسم
 و در چهار دیگر روزهای ماهی این چهار تاریخ بر جانب دست راست بکشند
فصل ششم در ستاره های هفت گانه ۱ رطل ۲ مشتری ۳ مریخ ۴ شمس
 ۵ زهره ۶ عطارد هر یکی بر فلکی دیگر هم بر این ترتیب که یاد کردیم در
 افلاک از زمین فلک رطل شد و نزدیکترین افلاک به زمین فلک قمر است
 و نشانهای این کواکب در تقویم صرف آخر باشد از نامهای شان در
 هفت کواکب شمس و قمر را نیز بنویسند خوانند شمس را انرا کبریا و قمر را
 اصغر خوانند و پنج باقی را اخره متحرکه خوانند از جهت آنکه هر یکی از این
 استقامتی بود پس و قوفی پس رجوعی پس و قوفی دیگر باز به استقامت
 و شمس و قمر را جبر استقامت نبود و رطل و مشتری و مریخ را علویین خوانند
 و زهره و عطارد را سفلیین خوانند و روشنی ستارگان مختلف باشد
 و باقی ستارگان را ثابته و جمله نیز فلک هشتم باشد و بر بالای آن فلک
 نهم که آنرا افلاک الا فلک خوانند و فلک اعلی فلک اعظم و مدار روی
 حرکت ادلی و معدل آنها خوانند و ادیم افلاک را از جانب مشرق
 بجانب مغرب حرکت میدهند و آنرا حرکت شبانه روزی خوانند و دیگر افلاک

علویه و سفلیه

افلاک از جانب مشرق مغرب حرکت میکنند هر یکی حرکت خاصی خود دارد
 افلاک است



در بر وجه و جوی
 این کواکب را
 به آنکه در فلک کواکب بر آن حرکت میکنند و از دایره بخش کرده اند
 و هر یک را بر وجه خوانند و هر یکی را بر وجهی بخش کرده اند و در وجه خوانند
 و هر در وجه را به شصت قسم کرده اند هر یک را دقیقه خوانند و هر دقیقه
 به شصت قسم کرده اند هر یک را ثانیه خوانند و ثانیه را به ثلثه و ثلثه را به ربع
 خنده آنکه احتیاج اشد قسمت نمایند و با هم بر وجه خوانند و از ده گانه نیست

عمل ثور جوزا سرطان اسد سنبله میزان عقرب قوس جدی
دلو حوت دشتی ایشان چنین باشد حمل راسفونند و ثور الف و
تن حوت یا باشد دشتی در جات و دقائق شان عدد روز
رقم در جات از مین و نه گذرد چون کسی شود برجی شود و عدد و دقائق
از پنجاه و نه گذرد چون شصت شده و در تقویم بعد از جدولها
مقتصد دل مساوی جهت موضع کوکب بقدر که در نیم روز هر روزی
و در هر جدولی باز ای هر روز سه رقم بنویسند یکی رقم برج و یکی رقم
و یکی رقم دقیقه و آن دقیقه موضع کوکب باشد و هر قدر درجات و دقائق
آن روز حشر باشد از آن برج بنویسند و ابتدا ای کوکب باشد تا کنند
پس با پس کوکب دیگر بترتیب اندک بنهند چون در چه دقیقه کوکب
بروز زیادت بود کوکب ستقیم بود چون نقصان باشد از آن
و نقصان نشود مقیم بود در مقدار در دس ستارگان به اکتش
دوری در یک سال تمام کند و برجی بای قطع کند و قدر دوری در شصت
شبان در دشتی تمام کند و برجی زیاده از روز و کمتر از سه روز قطع
و زحل دوری در سی سال تمام کند و برجی در سی سال تمام قطع کند و در هر دو
ماه و نیم چهار ماه و نیم راجع باشد و مشتری دوری در دوازده سال تمام

و برجی یک سال قطع کند و در هر سیزده ماه چهار ماه و نیم راجع باشد
و مریخ دوری در دو سال یک ماه و نیم کم قطع کند و چون در هر برج ستیم
و سبک رو باشد در یک ماه و نیم تمام کند و در هر دو سال یک ماه و نیم کم دو ماه و نیم
راجع باشد و مریخ دوری در صد و سی سال تمام کند و هر برجی در شصت
روز تمام کند و در هر یک سال و هفت ماه و نیم یک ماه راجع باشد و عطارد
دوری در صد و سی سال تمام کند و برجی چون ستیم و سبک رو باشد پانزده روز
تمام کند و در هر صد و شصت روز و نیم در هر روز زیادت و کم
راجع باشد اما کوکب ثابت دوری در شصت و چهار هزار سال تمام
و برجی و دوازده سال قطع کند و در چه در قرب شصت و شش سال تمام
در جوزا هرین و عرض ماه و دیگر سیارات اقطاب
باشد که میان جوسا گذرد و از منطقه البروج خوانند و ماه
مداری دیگر باشد که با مدار اقطاب در دو موضع تقاطع کند و آن
دو تقاطع را جوزا هرین و عقدی نیز گویند پس بکنند از مدار ماه
در جانب شمال بود از مدار اقطاب یک نیمه در جانب جنوب بود
از مدار اقطاب آن عقده را که چون ماه از او گذرد شمال
شود در اس خوانند و آن عقده که چون ماه از او گذرد جنوب
دنب خوانند و مقدار دوری از مدار اقطاب عرض ماه باشد

و غایتش پنج درجه باشد و تقویم ماه را یعنی دوری از اول حمل بر توالی
 بروج طول ماه خوانند و راس مذهب امیر معکوس باشد مانند کواکب
 و دوری در نوزده سال تمام کند و برجی در نوزده ماه قطع کند و در
 نوزده روز و تقریباً تمام کند در تقویم موضع راس بعد از تقویم عطارد
 پاریس برج و درجه دقیقه و موضع مذهب برج مقیم باشد از آن برج
 همان درجه و دقیقه باین سبب موضع مذهب را یاد دارند و به کوهی که
 جدولی جداگانه در پہلوی تقویم او میارند و درجه و دقیقه عرض را در
 اول بعد قمر از راس شمالی صاعد زاید بود و در ربع ثانی که قمر در
 دارد تا رسیدن مذهب شمالی با بقا ناقص بود و در ربع ثالث که از مذهب
 بگذرد جنوبی با بقا زاید بود و در ربع رابع که قمر روی بر اس دارد جنوبی
 صاعد ناقص بود و چنانچه متوجه را هم عرض باشد و کاه باشد که عرض هر کوهی
 در پہلوی تقویم او میارند و آفتاب عرض بود جهت آنکه عرض دوری
 ستارگان بود از مدار آفتاب و آفتاب از مدار خود دور شود
 شمالی و جنوبی صاعد و با بقا در حرف اول گیرند نشان زاید و ناقص
 راس مذهب از دو حرف آخر گیرند در ساعات در اوقات
 نشان دوری را چیت و چهار قسم کنند و هر یکی را ساعتی خوانند و هر ساعتی را

و هر ساعتی را بشت قسم کنند و هر یکی را دقیقه خوانند و در تقویم ماهی
 ساعات و دقائق آن روز بنهند و چون آن را از چیت و چهار نقصان
 آنچه باشد ساعات و دقائق بشت باشد و در از تحویل آفتاب یکدیگر وقت
 تحویل آفتاب برطان افزاید و در نیمه دیگر یکجا هر دو شب بر عکس آن
 پس در از ترین روزهای سال و کونا ترین شبها وقت تحویل آفتاب
 برطان و کونا ترین روزها و در از ترین شبها وقت تحویل آفتاب
 باشد یکدیگر تحویل آفتاب بکحل و میزان روز و شب برابر باشد
 و این ساعات را استوی خوانند و چون هر روزی و هر شبی را جدا جدا
 بدو از دهم قسم کنند از ساعات زمانی معوج خوانند و مقدار هر
 شب در از می و کونا بی روز و شب یکجا هر دو می افزاید اما در اوقات
 آفتاب مقدار معبد او بود از سطح اقیانوس که بر زمین بگذرد و میان
 و پوشیده از هم جداگانه از آسمان و آن مقدار به درجات دقیق
 بود و غایتش وقت نصف النهار باشد و غایت ارتفاع که در نیم روز
 هر روزی در تقویم تمام بعد از ساعات در جدول جداگانه
 در ارتفاع از نود و درجه زیاد کرد و در نظر و شایسته
 کواکب بعضی اما نظر آنست که دو کواکب در یک برج یک درجه و یک

جمع آیند آنرا قرآن معترانه خوانند پس اگر آن حال میان آفتاب
باشد آنرا اجتماع خوانند اگر میان آفتاب یکی از کوکب متحرک باشد
آنرا احتراق آن کوکب خوانند و چون در بعضی دقیقه دو کوکب در دو برج
که یک از آن سیم دیگر باشد آنرا تلس خوانند از جهت آنکه بعد میان
این دو کوکب سید فلک باشد و اگر یک از آن در چهارم دیگر برج باشد
آنرا تریج خوانند و اگر یک در پنجم برج باشد آنرا اتمیت خوانند و اگر یک
در ششم برج باشد آنرا مقابله خوانند و مقابله از دور فلک صد
هشتاد درجه باشد و مقابله نیزین با استقلال خوانند و تلس
سید فلک باشد و تریج ربع و پنجمین تا با آخر و اگر یک از آن دو کوکب
در هفتم دیگر باشد یا ششم یا ششم یا دوازدهم آنرا شمار کنند
و از پنج روشن کرده که هر کوکبی را دو تلس بود و دو تریج
و دو اتمیت از دو جانب او و یک مقابله و یک متعارف و یک شمس
نظر باشد و در اسرار و نیکو با کوکب نظر و شمس نباشد آنرا متعارف
و آنرا امجسه خوانند و زهره و عطارد را با آفتاب احتراق
نمود و ایشان را با یکدیگر تلس و قرآن نبود از جهت آنکه
این هر دو کوکب چند آن از آفتاب دور نشوند چه زهره پیش از خورشید

از جمل و هفت درجه و عطارد پیش از نوبت و هفت درجه از آفتاب و نشود
در دو جانب و چون کوکب متحرک باشد یک از این نظر با کوکب متصل
و چون اتصال تمام شود و گذرد و کوکب متصرف است و این نظر با کوکب
ششگانه را جواهره بر جاشیه تقویم بر صفحه دست راست بنویسند و آن
اتصالات کلی گویند و نام ماههای هر چهار سال یک دور باشد که در آن
تاریخ مشهور بود و تخیل ستارگان از برجی برجی و جهت و عکس و کواکب
و اوج و خفیف و احتراق و ظرف و مبوطها بنویسند و اما شمس و زهره
یکی از این میان هر کوکب باشد از دو موضع که در ساعات روز و شب قرار
از دو جانب هر سلطان در صدی که بعد هر دو نقطه از هر طرف آن
صدی متساوی باشد مثلاً یک در پست درجه ثور و یک در ده درجه جد باشد
که بعد هر یک از هر طرف آن یکصد و ده درجه بود و از هر صدی چهار برج
پست درجه بود و هر یک از اینان دو کوکب باشد که هر دو در دو موضع باشد
که مطلع متساوی باشند از دو جانب هر صحر و هر یک از آن که بعد هر
از دو نقطه متساوی باشد مثلاً یک در پست درجه حمل و یک در ده درجه
باشد چون بعد هر یک از هر صحر پست درجه بود از نقطه هر طرف
چهار برج و ده درجه و شمس را هم در میان اتصالات کلی بنویسند و اما

که گوی فصل شود و گوی بر سبب نظر بی تاثیر پیش از تمام آن فصل
بطل شود و سبب رجوع یا بطور دیگر فصل یا سبب تقاطع آن کو که
انصال یا درجه سبب است بر او بطل شود و از انشکات خوانند و
تعلق بر دو دار درین کو ریشه مقدار دوران رئیس
تبعی تثبیت مقدار استقبال اجتماع و خلاق مجامعه
تجربین نما ریل بوم شاعر انکشاف
در زج است قمر و دیگر احوال در صفحه دست چپ نفیوم در بر پایی دل
ایم اسب و در ایام خری در و جدول باز آید یا بنام یا بنام
و محل یا یعنی برچی که قمر وقت نصف النهار در آن برج بود و جدول دیگر
نهند در جدولی که اصول چهارم است اشتغال به در بر چی بر چی
روز دیگر اشتغال به روز شنبه باشد اگر در آن باشد که بعد از
شنبه نهند پیشش جدول متداولی نهند جهت نظر قمر که اگر شنبه
باقی اول از آفتاب است که نهند بعد از آن که اگر شنبه
برقی انکشاف و باز ای هر روزی که در وی یا در وی باشد
وی بود قمر و دیگر کی از پیشش که نهند نظری باشد در جدول آن کو که
رسم آن نظر و افق که نظر در ساعت بطلان روز شنبه

نویسند و از آنچه باز ای وری و در وی یا پیشی که بعد از وی بود
نقشه عالی باشد این انصاف را مراجعات قمر خوانند و استقبال و استقبال
در هر ماه که هست بر صفحه دست راست از جانب است در انصاف است که
در جدولی بار یک در و زیاده یا کمتری است و کات که از آن روز شنبه
در برج طالع و برج کاشه و در طالع و در فاتی هر یک نویسند و طالع
که در آن وقت بیان شرق و غرب در میان آسمان بود و در جدول
نیز نویسند و آن موضعی بود در طالع که آفتاب ماه در وی قرار داشته
و جدول استقبال هم نویسند و آن بر روز موضع آفتاب در در وقت
آنکه با ما مقابله کنند و شب موضع ماه و حالت قمر نویسند و بعضی
در جدولی جدا گانه نویسند بعد از مراجعات بر صفحه دست چپ و بعضی
در خانه های خالی از جدول مراجعات نویسند چون دیگر و دیگر
مجموعه قمر بود که در که ام روز شنبه یا در اس و ذنب تقارن کرد
و چه ساعت در رسیدن به در که شرف و در بر به طوطا و اول به طوطا
یعنی بطریقه محترقه و بعد از این طریقه شرف به طوطا کو که پان کیم و
طریقه محترقه کو نیم و بعضی رسیدن به تحت شعاع آفتاب به
و آن وقتی بود که بعد از آفتاب پیش از اجتماع بر هر از ده در بر

و مجامد یک یک پا در نزدیکی پس گویند که کوکبی محسوس است میراد
 سکون است اندک که اکبر در جمع و دوری بعد و چهار سال تمام چنین کوکبی
 بر یکدیگر دارند و علامات است قمار پس فرمودند که هر روز
 بهر آن که طریقه مخدنه فرقت اشاع فرماید و در حال
 و آن است بهر آن است برین ترفیع برین بعضی ثرا و بران
 بهر آنکه در اوج شرف طریقه چیده زنده شود و سواک عفر
 زبانا اکلیل قلب ثقله غایم بود و اوج مع سعود حسیه
 مقدم مؤخر شد و فرمودند که در این سال و کاه بود
 که زیادت از یک روز و در سالی بود و کاه بود که زیادت از یک روز
 در روزی بود و موضع ماه و در این باشد و وقت نیم روز و ماه آن تزل
 در هر دلی که در سینه باز آید و در بعضی وقت اشغال در
 برتری در جردلی و بر تهنیت نظر آن و چون شکست از ده ربع است
 و سارال است و بهر حصه هر ربعی در سینه است و بعضی در
 که باز پس که در دوازده و در آن تزل پس از طلوع آفتاب
 و چون خط هر که در طلوع آن سینه است در میان است که بر سینه
 از روز و وقت طلوع تزل سقوطا قریب آن است و آن تزل از بدین

پا در نزد آن تزل در ظهور و خفای کوکب احوال آن
 سارکان موی شش از خرق بچند روز در غربت مخفی شوند بعد از آن
 آفتاب و بعد از آن بچند روز در شرق ظاهر گردند پس از آن
 آفتاب خرق ایشان در میان است و علامات ایشان بود و علامت ایشان
 با آفتاب در میان است و در جوج در میان است و در میان است
 زهره و عطارد و زهره در میان است و علامات و هم در میان است و در میان
 و در اوایل رجوع در سینه مخفی شود و در آخر در شرق ظاهر گردند و
 در سینه مخفی شوند و بعد از آن در سینه مخفی گردند و در آن
 ظهور و خفای هر کوکبی در تقویم در میان است و علامات کلی نوشته و آن
 ماه نور که از موضع خرد آفتاب در شمال یا در جنوب خداید
 در دشن چیده و در بعضی جدا گانه چیده برای نوشته است و با شمس که احوال
 سیر کوکب در جدولهای آن که خانه تقویمهای ایشان در روز و از بدین
 تقسیم هم بر قمر بیان شده و شکار چون ربع السیر بود یعنی سیر او سیر
 زاید بود این قمر بر سینه و چون بطی السیر بود که سیر او سیر
 کمتر بود این قمر بر سینه و چون سیرش بقدر سیرش بود این قمر
 و تقسیم بر تقسیم و تقسیم بر تقسیم در ربع در ربع و هر کوکبی را چهار تقسیم

کوکب است که در سینه

در ملک ادب و پرور و نطق در فقه تدبیر باشد که انرا هم بنویسد و نشان
خطای اول او چنانچه در سیم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و
اول و دهم و یازدهم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و
در باقی آنچه در تقویم آمده در اوراق و دوازده کانه برابر
هر روزی بنویسد و با حجتیاری که آنروز حکام را نماید و در
نمایند و ما این بعد ازین بر جمال بنویسیم پیش از او را قضا می
طالع سال و صورت آن پادشاه و در صورت طالع و حیات قضا
و دوازده کانه از مجموع و موضوع که اکبر و اسی و پنج و وقت
نحوه باشد کنند و موضوع سهام هم بنویسد و سهام و دلائل خبری
مخصوص بود که از موضوع که اکبر و خانه بگیرند و از سهام
بعوت از سهام العاده و سهام الغیب بود و پیش از صورت طالع و
نحوه آفتاب و مواجره استخراج آن از پنج پادشاه و باشد که در
اجتماعات و استقبالات هم بنویسد و صورتها بنهند و صورت
طالع را از آنکه خوانند و بعد از او اوراق را با هم شش و شصت
که در آن سال اتفاق افتد پادشاه تعیین اوقات و احوال
آن بنویسد و احوال هر یک ثبت کنند اما دیگر حد و دلهای پیش

پیش از اوراق را با هم ثبت کنند جهت احکام حصول و قرائت و اجتماعات
و استقبالات باشد و جهت توزیع و زواید و دیگر حالها حسب اوقات هر وقت
از شرح مستغنی باشد نیست معرفت تقویم و بعد ازین بعضی اخبار که در
مختص باشد هم بنویسیم بر سبیل مختصار در خانه و دبال هر کوکبی
و در احوالهای غیر اند و قوس و حوت خانههای شتری و غیره و غیره و خانههای
خور و میزان و نحاسی زهره و جود او بنویسد خانههای عطارد و سرطان
ماه و سه خانه آفتاب و مقابل خانه هر کوکبی و دبال او و پس
زحل و دبال شری و خانههای زهره و دبال خانههای شتری و دبال عطارد
و خانههای عطارد و دبال شتری و خانههای مریخ و دبال زهره و خانههای
زهره و دبال مریخ و در اس و دنت افغانه و دبال نمود
در شرف و هم بود که اکبر شرف آفتاب در نوزدهم درجه صبر است
در شرف ماه و سیم درجه ثور و شرف زحل در دهم درجه میزان
در شرف شتری و دوازدهم درجه سرطان و شرف مریخ در دهم
در شرف جدی و شرف زهره و دهم در شرف ثور و شرف عطارد و دهم
در شرف میزان و دهم در شرف سنبله و شرف اسد و سیم درجه
جوزا و شرف ذنب و سیم درجه قوس و پنج درجه شرف باشد

وقت نماز

[illegible]

١٩
 من حسن بركاته
 في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٠
 في مدينة القاهرة
 في يوم الاثنين
 في شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٠
 في مدينة القاهرة
 في يوم الاثنين

[illegible][illegible]

72

[illegible]

25

[illegible]

51

44

کتابخانه شخصی
علامه حسین - سرور